

AVICENNE: Le livre de Science (I: Logique, Métaphysique) Traduit par
Mohammad Achenâ et Henri Massé, Paris, 1955

دانشنامه علائی که ابن سینا برای علاء الدوله ابو جعفر محمد بن دشمن زیار بن کاکویه دیلمی (۳۹۸ - ۴۳۳) میان سالهای ۴۱۲ و ۴۲۸ در سپاهان نوشته است از اصیل ترین کتابهای کهن فلسفی فارسی می باشد. نام آن چنانکه جوزجانی در آغاز بخش ریاضی همین کتاب و در پایان شرح و ترجمه حی بن یقطان (چاپ هنری کریم ص ۸۷) و شهرمدان رازی در نزهت نامه علائی و قطب شیرازی در درة التاج یاد کرده اند «دانش نامه علائی» است نه «دانشنامه علائی» چنانکه در عیون الانباء (۲: ۱۹) آمده و مرحوم عباس اقبال در سخنرانی خویش در جشن هزاره ابن سینا (جشن نامه ۲: ۲۰۱) آنرا پسندید و نه «مایه دانش علائی» مشهور به «حکمة العلائی» چنانکه در آغاز چاپ سال ۱۳۰۹ مطبع فیروزدکن (حیدرآباد) آورده شده است، زیرا بهمینار شاگرد شیخ در تحصیل که بسطی است از همین دانشنامه بزبان تازی برای خال رئیس ابی منصور بهرام بن خورشید بن بهرام بن یزدان یار کیا از آن بنام «کتاب الحکمة العلائیة» یاد کرده و این عبارت ترجمه گونه ایست از «دانشنامه علائی».

ابن سینا خود ریاضیات این کتاب را تدوین نمود ولی از میان رفته و شاگردش جوزجانی رسالاتی در فنون این علم از خود شیخ گرفته و یا اینکه از کتابهای تازی او بپارسی در آورده و بران افزود.

غزالی طوسی در مقاصد الفلاسفه باین کتاب می نگریسته بلکه بیشتر همین مقاصد ترجمه ایست از دانشنامه علائی و بخشی از آنهم از رساله نفس ابن سینا میباشد.

غیاث الدین منصور دشتکی در امالی فلسفی خود پس آوردن عبارتی از مبحث وهمیات منطق دانشنامه: «پس چون از راه اولیات درست شود ... این همه باطل است» (ص ۱۱۸ چاپ انجمن آثار ملی) میگوید که «در رساله فارسیه که بسط دانشنامه نموده گفته: وهم هر چیزی را که بر وفق محسوسات بیند که بآن الفت گرفته است قبول نکند چنانکه قبول نکند موجودی را که بجهت او اشاره نباشد و به خلا و ملا بیرون عالم، و زیادتی جسمی بی جسمی دیگر. و این حکمهای وهم از آن میباشد که این معانی موافق محسوس نبیند و در وهم نمی آیند - و از کلام صاحب این رساله و افاده شیخ معلم می شود که غلط وهم از آن دانند که قیاسها ترتیب کنند مرکب از اولیات که وهم مساعدت کند در قبول مقدمات پس اگر نتیجه را قبول نکند حکم او در نتیجه غلط باشد».

این بسطی از دانشنامه که دشتکی در این امالی عربی خود در این نیم صفحه فارسی از آن یاد نمود دانسته نشد که از کیست و کدام کتاب است من گمان کردم که شاید تبصره ساوی باشد دیدم نیست. بسط و گسترده ای از همین مبحث در پاورقی صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰ چاپ انجمن بعنوان روایت دیگری از دانشنامه دیده میشود که ناشر ننوشت از کدام نسخه است و بگواهی پاورقیها و حواشی پیش باید از نسخه آقای نفیسی باشد ولی این که در حاشیه می بینیم با آنکه دشتکی آورده است دو تا است.

باری سه بخش منطق و الهی و طبیعی این کتاب نخستین بار در دکن و سپس دو بخش نخستین آن بکوشش آقای احمد خراسانی در تهران بسال ۱۳۱۵ خ آنگاه همه سه بخش آن بکوشش آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین در ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی بچاپ رسیده است و بخش ریاضی آن هنوز مخطوط مانده است. چنانکه می بینیم ابن سینا در این کتاب بر خلاف روش خود در نجات و شفا و عیون الحکمه و عروضیه بخش الهی را بر طبیعی مقدم داشته است. شاگرد او بهمنیار نیز در تحصیل نزدیک بهمین روش را بکار برده است.

ترجمه فرانسوی دانشنامه که بوسیله آقایان محمد آشنا و هنری ماسه شده است بسیار شیوا و روان است و مترجمان کوشیده اند با عباراتی ساده سخنان ابن سینا را بکمال ادا کنند و در این باره کوتاه نیاورده اند.

در این ترجمه بهر دو چاپ خراسانی و انجمن نگریسته اند و شاید بتوان گفت که آنچه می بایست در این زمینه رعایت کنند فروگذار نکرده اند. در دیباچه این ترجمه سرگذشتی از شیخ آمده و درباره شفا و نجات و اشارات کمی گفتگو شده و از خود دانشنامه نیز کاوش گشته است. حواشی پایان ترجمه نیز بسیار سودمند است.

اینک درباره یک بند ازین ترجمه بحثی می کنم و دقت آقایان مترجمان از همین بحث روشن میشود.

در الهی دانشنامه چاپ هند ص ۲۳ (و چاپ انجمن آثار ملی ص ۲۹) آمده:

«اضافات حال چیزی بود که او را بدان نسبت بود و بدان نسبت دانسته آید که چیزی دیگر برابر وی بود چنانکه پدری مر پدر را از جهت آنکه پسر موجود بود برابر وی و همچنان دوستی و برادری و خویشاوندی».

در اینجا در نسخه های مجلس و ملک و چاپ آقای خراسانی ص ۸۶ هر دو بار «سبب» آمده و درست همین است چه در منطق تحصیل بهمنیار آمده:

«ومنها الاضافة وهو المعنى الذى اذا وجد او عقل كان مقولا بالقياس الى آخر ومع ذلك الآخر البتة وليس له وجود غيره وذلك مثل الابوة بالقياس الى البنوة وكالاب الذى له وجود آخر غيره وهو الانسانية».

در الهی آن هم در فصل مضاف آمده:

«بل هی حقیقة یلزمها اذا عقلت انها تعقل بالقياس الى غيرها» و پیش از آن آمده:

«المضاف هو ... الذى وجوده هو انه مضاف».

در نجات (ص ۸۰ چاپ دوم قاهره) آمده:

«الاضافة وهو المعنى الذى وجوده بالقياس الى شئ آخر وليس له وجود غيره مثل الابوة بالقياس الى البنوة لا كالاب فان له وجوداً يخصه كالانسانية».

در فصل سوم مقاله چهارم فن دوم منطق شفا آمده:

«هى الامور التى ماهياتها معقولة بالقياس الى غيرها على الاطلاق او بنحو آخر من انحاء النسبة».

غزالی در الهی مقاصد الافلاسه ص ۲۳ این عبارت دانشنامه را بتازی چنین ترجمه کرده است: «اما الاضافة فهى حالة للجواهر تعرض بسبب كون غيره فى مقابلته كالأبوة والبنوة والأخوة والصدقة والمجاورة والموازاة وكونه على اليمين والشمال اذا لأبوة ليست للاب الا من حيث وجد الابن فى مقابلته».

از این عبارات خود شیخ و بهمنیار و غزالی پیداست که در این تعریف کلمه «نسبت» درست نیست و مقصود اینست که بودن مضاف حقیقی و دانسته شدن آن بسبب اضافه او است بچیزی دیگر چنانکه بهمنیار آشکارا این را گفته و شیخ و غزالی هم بدان اشاره کرده اند اگر چه عبارت دانشنامه در اینجا گزیده و کوتاه می باشد.

فرهنگ ایران زمین - جلد ششم

http://kateban.com/faslovasl_46.html